نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال نوزدهم، شماره ۵۴، پاییز ۹۸

ارائه مدل توسعه کارآفرینی زنان با رویکرد توسعه پایدار روستایی در استان گلستان

دریافت مقاله: ۹۶/۱۱/۱۶ **پذیرش نهایی**: ۹۷/۴/۲۸

صفحات: ۱۶۶-۱۴۷

نفیســه ورکیانی‌پــور: دانشجوی دکتری کارآفرینی، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران.
Email: Nafiseh_kiani56@yahoo.com
سید محمدرضا حسینی: استادیار گروه اقتصاد، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران[۱].
Email: Mehranhosseini@gmail.com
روح‌الله سمیعی: استادیار گروه مدیریت، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران.
Email: Roohalla.samiee@gmail.com
مجید اشرفی: استادیار گروه حسابداری، واحد علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی‌آباد کتول، ایران.
Email: Mjd_ashrafi@yahoo.com

چکیــده

زنان نقش مهمی در ارتقای اشتغال و بهبود وضعیت اقتصادی جامعه ایفا می‌کنند؛ بنابراین، هویت دادن و استقلال بخشیدن به آنان و فراهم کردن زمینه مشارکت فعال آن‌ها در امور مختلف اقتصادی ـ اجتماعی به خصوص فعالیت‌های کارآفرینی، عامل مهمی در انگیزش بیشتر این نیروی عظیم در چرخه‌های تولیدی اجتماعی را دارا می‌باشد. در ابتدا به بررسی و تجزیه و تحلیل مشخصه‌های جمعیت‌شناختی خبرگان پرداخته شد، سپس مؤلفه‌های توسعه پایدار روستایی و توسعه کارآفرینی زنان شناسایی شده را با استفاده از نظر خبرگان (که ۱۰ نفر از زنان برتر کارآفرین استان گلستان هستند) و به کمک روش دلفی فازی و انجام فازی زدایی غربال و مؤلفه‌های متغیرهای موردنظر انتخاب گردید، همچنین روایی و پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از آلفای کرونباخ مورد بررسی و نرمال بودن توزیع مؤلفه‌ها توسط آزمون کلوموگرونوف ـ اسمیرنوف و آزمون t ـ استودنت انجام گرفت. در بخش اول مقاله با استفاده از روش فرآیند تحلیل سلسله مراتبی و با بهره‌گیری از نرم‌افزار Expertchoice به اولویت‌بندی و رتبه‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های توسعه کارآفرینی زنان و توسعه پایدار روستایی (توسط ۱۹۸ نفر از زنان کارآفرین استان گلستان) پرداخته شد در بخش دوم مقاله برای سنجش روابط بین توسعه کارآفرینی زنان بر اساس توسعه پایدار روستایی از تحقیق همبستگی و معادلات ساختاری برای آزمون تحلیل عاملی و روش آزمون تحلیل عاملی با استفاده از نرم‌افزار Smart pls2 استفاده گردید که این ارتباط معنی‌دار بود، زیرا در تحقیق همبستگی نه تنها روابط بین متغیرها را می‌توان کشف کرد بلکه نوع و میزان ارتباط متغیرها با یکدیگر نیز از این طریق به دست می‌آید و سپس به بحث و تفسیر نتایج پرداخته و مدل توسعه کارآفرینی زنان با رویکرد توسعه پایدار روستایی ارائه گردید. نتایج نشان داد که به طور کلی فعالیت‌های کارآفرینی زنان، زمینه‌های کاهش فقر در روستاها را فراهم نموده و به سوی توسعه پایدار روستایی سوق داده است.

کلید واژگان: توسعه پایدار روستایی، زنان کارآفرین، توسعه کارآفرینی زنان.

---

۱. **نویسنده مسئول:** گلستان، علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، گروه اقتصاد، ۰۹۱۱۱۷۱۶۹۶۰

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.12.2]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.147]

مقدمــه

افزایش مهاجرت مردان روستایی به شهرها و مراکز صنعتی، لزوم مشارکت زنان در فعالیت‌های تولیدی را نمایان‌تر می‌سازد. با این همه، زنانی نیز هستند که از امکاناتی محدودتر برخوردارند، زیرا یا سرپرست مرد خانوار را از دست داده‌اند و یا از حمایت آن‌ها به دلایل مختلف بی‌بهره‌اند و با فقر دست به گریبان‌اند. یکی از مهم‌ترین راهکارها برای از بین بردن فقر زنان، توانمندسازی آن‌هاست که راهی برای هدایت زنان به سوی فعالیت‌های تولیدی و درآمدزاست (طالب و همکاران، ۱۳۸۶). توانمندسازی فرآیند پویایی است که طی آن زنان سعی می‌کنند تا ساختارهایی را که آن‌ها را در حاشیه نگاه می‌دارد، دگرگون سازند (ربیعی و همکاران، ۱۳۹۲).

بررسی‌های انجام شده طی چند دهه‌ی گذشته نشان می‌دهد که زنان از امکانات لازم برای توانمندی و گاه فقر برخوردار نیستند، زیرا وجود موانع و محدودیت‌های فراوان بر سر راه تغییر و تحول پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان، هرگونه تلاشی را برای از بین بردن فقر آنان با مشکل مواجه ساخته است (نامجویان شیرازی، ۱۳۹۳)، زیرا زنان کارآفرین بسیاری از نقش‌های اجتماعی و اقتصادی داخل خانه را به خوبی نقش‌های اجتماعی و اقتصادی خارج از خانه، ایفا می‌کنند؛ اما متأسفانه سهم آن‌ها مشخص نشده است. آنان از برنامه‌های توسعه پایدار روستایی محروم مانده‌اند و تنها امور مربوط به مراقبت از بچه‌ها، تغذیه و غیره به ایشان نسبت داده شده است. این مسأله باعث گردیده تا طراحان و برنامه‌ریزان از پتانسیل خاص زنان کارآفرین غفلت نمایند (منصورآبادی و همکاران، ۱۳۸۵). تأمین مالی خرد می‌تواند با افزایش دارایی‌ها و قابلیت‌های زنان شرکت‌کننده، فرصت مشارکت و تصمیم‌گیری درباره مسائل زندگی و قدرت تأثیرگذاری بر محیط اطراف‌شان را فراهم کند؛ یعنی موجب توانمندسازی آنان شود (علاءالدینی و همکاران، ۱۳۸۹). توانمندسازی فرآیندی است که طی آن، زنان قادر به سازماندهی می‌شوند، اعتماد به نفس خود را ارتقا می‌بخشند و از حقوق خود در ارتباط با انتخاب آزاد و کنترل بر منابع استفاده می‌کنند (رضائی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۳)؛ یعنی توانمندسازی زنان به صورت بهبود توانایی زنان برای دسترسی به بهداشت، آموزش، فرصت کسب و کار، حقوق و مشارکت سیاسی تعریف می‌شود (Green et al, 2015).

یکی از ابعاد فضایی توسعه‌ی پایدار، توسعه پایدار روستایی است که با توجه به شرایط متفاوت محیطی، اقتصادی و اجتماعی زیست بوم‌ها برنامه‌ریزان منطقه‌ای، محلی و روستایی به آن توجه خاص کرده‌اند (فال-سلیمان و همکاران، ۱۳۹۲). در چند سده‌ی اخیر و با رشد پرشتاب صنعت و فناوری در جهان، عقب‌ماندگی مناطق روستایی بیشتر عیان گردیده است. از آن‌جایی که عموماً روستاییان نسبت به شهرنشینان دارای درآمد کمتری هستند و از خدمات اجتماعی ناچیزی برخوردار می‌باشند. اقشار روستایی، کم‌درآمدتر و آسیب‌پذیرتر محسوب می‌شوند که بعضاً منجر به مهاجرت آنان به سمت شهرها نیز می‌شود، بنابراین برای رفع فقر شدید مناطق روستایی، ارتقاء سطح و کیفیت زندگی روستاییان، ایجاد اشتغال و افزایش بهره‌وری آنان، تمهید توسعه پایدار روستایی متولد گردید (یاری اردکول و همکاران، ۱۳۹۰). در واقع رسالت برنامه‌های توسعه‌ی روستایی پایدار، ارتقای توانایی جوامع روستایی برای نیل به توسعه، رشد و بهبود کیفیت زندگی و حفاظت از منابع طبیعی است؛ که این امر با تخصیص هدفمند منابع مالی و فنی به مناطق دارای بیشترین نیاز و نیز از طریق

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.12.2]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.147]

انجام دادن اقداماتی رخ می‌دهد که بالاترین زمینه را دارند (فال‌سلیمان و همکاران، ۱۳۹۲). در دنیای کنونی، با توجه به ساختار نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی و تسلط بهره‌برداری خانوادگی که بخش عمده‌ی نیروی کار آن را زنان تشکیل می‌دهند، دست‌یابی به اهداف توسعه بدون در نظر گرفتن قشر زنان امکان‌پذیر نیست، چرا که در مناطق روستایی، زنان در تولید محصولات کشاورزی از نقشی عمده برخوردارند (طالب و همکاران، ۱۳۸۶). بنابراین؛ مکاتب مختلف توسعه، سرمایه‌گذاری را از اصول بنیادین خود قلمداد می‌کنند. وجود سرمایه امکان بهره‌برداری و بهره‌وری از محیط پیرامون را فراهم می‌کند و به خصوص در نواحی روستایی، می‌تواند توسعه‌ی پایدار را به همراه داشته باشد. امروزه جهت دست‌یابی به پارادایم توسعه‌ی پایدار روستایی، برنامه‌ریزان روستایی بیش از هر چیز بر توانمندسازی گروه‌های هدف (اقشار کم درآمد، زنان بی‌سرپرست، کارگران بی‌زمین و کشاورزان خرده‌پا و غیره) تأکید و اعتقاد دارند فقر از جهات مختلف در حال حاضر مهم‌ترین تهدیدکننده‌ی محیط زیست می‌باشد (محمدی یگانه و همکاران، ۱۳۹۳). به طور معمول در فرآیند توسعه یکی از اولین عناصری که به نحو مستقیم یا غیرمستقیم به اجتماع محلی تزریق می‌شود، منابع مالی و اعتبارات است (علیرضانژاد و حایری، ۱۳۹۰)، از طرفی در حال حاضر راهبردهای مختلف توسعه بر مشارکت مردمی به طور اعم و زنان به عنوان نیمی از جمعیت جامعه به طور اخص به عنوان تضمین موفقیت هر نوع برنامه توسعه‌ای تأکید می‌نمایند (زارع و همکاران، ۱۳۹۱). بنابراین توانمندسازی زنان کارآفرین از مهم‌ترین سیاست‌های توسعه‌ی روستایی در عصر حاضر است (فقیری و همکاران، ۱۳۹۳).

امروزه توسعه پایدار روستایی در کشورهای در حال توسعه با مسائل و چالش‌های متعددی مواجه می‌باشد، چرا که راهبردهای گذشته در زمینه توسعه پایدار روستایی کاملاً موفقیت‌آمیز نبوده و نتوانسته‌اند مسائلی همچون فقر، اشتغال، بهداشت، امنیت غذایی و پایداری محیط زیست را تأمین کنند. این راهبردها در توزیع منافع حاصل از رشد و توسعه نیز موفق نبوده و سبب ایجاد مشکلات متعددی در این کشورها شده است (Abotaleb, 2008: 145). این مسأله باعث می‌شود که در دهه‌های اخیر رویکرد کارآفرینی به عنوان یکی از راهبردهای توسعه پایدار روستایی مورد توجه قرار گرفته و نظریه‌پردازان، برنامه‌ریزان و مجریان دولتی درصدد برآیند تا با ارائه راهکارها و روش‌های جدید، از معضلات و مسائلی که این نواحی گریبانگیر آن هستند، بکاهند(Chowdhury, 2007: 240). اهمیت بحث کارآفرینی به حدی است که اقتصاددانان، کارآفرینان را موتور رشد و توسعه‌ی اقتصادی جامعه می‌دانند (Gurol et al, 2006: 25-38) و دانشمندان مدیریت آن‌ها را از مهم‌ترین عوامل تحول و نوآوری‌های سازمانی در عصر حاضر به شمار می‌آورند. لذا هر محیطی که افرادش برخوردار از تفکر و هنر کارآفرینی باشند، اقتصادی پویا و متنوع خواهند بود(Kazemi et al, 2008: 25-38). با توجه به اهمیت کارآفرینی، بررسی‌های وضعیت اقتصادی گویای این مهم است که توسعه و رشد کارآفرینی در امور روستایی، یکی از مهم‌ترین راه‌های بهبود مشکلات اقتصادی کشورهای در حال توسعه و پیشگیری از تسریع شدن آن در آینده است. بدین منظور برای رسیدن به توسعه ملی در کارآفرینی، زیرساختی مناسب ضروری می‌باشد(سیه‌پناه، ۱۳۹۱: ۶). از این رو، حفظ جمعیت روستایی و رونق بخشیدن به رشد آن به منظور رسیدن به ابعاد مختلف توسعه اقتصادی نیازمند کارآفرینی کوچک و متوسط مقیاس است (Islam, 2009: 1-2). به طوری که در نظریه‌های اقتصادی، به فعالیت‌های خودجوش اقتصادی در قالب کارآفرینی در

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.12.2]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.147]

مناطق روستایی توجه ویژه می‌شود. در همین زمینه، ورتمن اشاره می‌کند که توسعه‌ی اقتصادی روستایی و کارآفرینی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند (Heriot et al, 2002: 2).

بنابراین کارآفرینی روستایی راهکاری جدید در نظریه‌های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی مناطق روستایی در کشورهای در حال توسعه مانند ایران و همین‌طور راهکاری برای دست‌یابی به توسعه‌ی پایدار به شمار می‌رود، اما بیشتر این جوامع از آمادگی لازم برای تأمین نیازهای ضروری مانند سرمایه، فناوری و اطلاعات برخوردار نیستند. در نتیجه، برای کمک به جوامع روستایی در این کشورها و همین‌طور کشور ایران، نیاز به بسترسازی برای کارآفرینی است که خود نیازمند شناخت متغیرهای وابسته و رابطه‌ی میان آن‌هاست. دهستان مرحمت‌آباد شمالی در شمال غربی شهرستان میاندوآب واقع شده و با توجه به هم‌جواری با دریاچه ارومیه، طی سال‌های اخیر با کاهش سطح اراضی و شورشدگی زمین‌های کشاورزی و ناپایداری روستاها به دلیل انتقال نمک از دریاچه مواجه بوده است، لذا مردم این دهستان جهت مقابله با این بحران محیطی و افزایش درآمد و پایداری روستاها و جلوگیری از مهاجرت دائمی و فصلی جوانان روستایی اقدام به کارآفرینی و ایجاد مشاغل جدید غیرکشاورزی در زمینه‌های مختلف در سطح روستاها نموده‌اند.

با توجه به مطالب بیان شده در این تحقیق، هدف اصلی ارائه‌ی مدل توسعه کارآفرینی زنان با رویکرد توسعه پایدار روستایی می‌باشد که بتوانیم تا حدودی چالش‌های به وجود آمده را برطرف کنیم.

مفاهیم و مبانی نظری

واژه‌ی کارآفرینی از کلمه فرانسوی "Entreprendre" به معنای متعهد شدن نشأت گرفته است. بنا بر تعریف واژه‌نامه وبستر: کارآفرین کسی است که متعهد می‌شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی و اداره‌ی آن را تقبل کند (احمد پورداریانی، ۱۳۸۷: ۴) و ابزار تولید را برای ترکیب و تولید محصولات قابل عرضه به بازار، خریداری کند (Lord kipnidzet, 2005: 25). کارآفرینی فرآیند خلق چیز نوپا و باارزش، با صرف وقت و تلاش بسیار و پذیرش ریسک‌های مالی، روحی و اجتماعی برای به دست آوردن منافع مالی، رضایت شخصی و استقلال می‌شود (اکبری، ۱۳۸۷: ۷۹). به عبارت دیگر، به عنوان یک وسیله نقلیه برای نوآوری و تغییر نیروی اصلی توسعه اقتصادی و تولید رشد در نظر گرفته شده است (Maia et al, 2005: 1). امروزه در اکثر کشورهای مختلف توجه خاصی به افراد موفق و کارآفرینان می‌شود و تقویت نوآوری‌ها و موفقیت‌ها و ایجاد بستر مناسب برای این امر از ابزارهای پیشرفت اقتصادی کشورها و به ویژه کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید؛ زیرا فعالیت کارآفرینی با اثربخشی زیاد منجر به توسعه اقتصادی(ایجاد اشتغال، نوآوری در فعالیت‌ها، رقابت‌پذیری و غیره) می‌شود(Otto, 2009: 25-38). در همین رابطه دیوید مک‌کله‌لند معتقد است که عامل عمده عقب‌ماندگی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه مربوط به عدم درک خلاقیت‌های فردی است، بنابراین در جوامع روستایی، افراد موفق در مقام کارآفرین، می‌توانند عوامل مختلف تولید را گرد آورند و با تلاش و کوشش‌های خلاقانه خود فعالیت‌ها را به موفقیت سوق دهند. بدیهی است که انگیزه فعالیت-های کارآفرینی نفع شخصی است، اما ایجاد فضای مناسب برای کارآفرینی در سطح محلی (روستا)، منافع منطقه‌ای و ملی را نیز به دنبال دارد. به همین جهت امروزه صاحب‌نظران توسعه پایدار روستایی معتقدند که

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.12.2]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.147]

برای تحقق توانمندسازی جامعه روستایی، تصمیم‌گیری و مدیریت روستایی بایستی در داخل خود جامعه محلی صورت گیرد و عوامل بیرونی نقش تسهیل‌گر را ایفا کنند (Najarzadet et al, 2009: 161). در همه جای دنیا و به ویژه کشورهای در حال توسعه، اصلی‌ترین کسب و کارها در اختیار روستاییان قرار دارد و آن‌ها اصلی‌ترین ایفاکنندگان نقش در اقتصاد کشورهای خود هستند (Markley, 2005; Poza, 2007: 14). با این حال، اغلب آن‌ها خصوصیاتی مانند درون‌گرایی، انعطاف‌پذیری و ثبات در برابر تغییرات را دارند (Hall et al, 2001: 8) و به همین دلیل مایل به ریسک‌پذیری در قالب فالیت‌های کارآفرینی نیستند (Johannisson, 2002: 28) و اغلب دارای شیوه زندگی سنتی و معیشتی‌ای هستند که مانع از نوآوری خلاقیت و کارآفرینی می‌شود و آنان به عنوان سرپرستان خانوارهای روستایی در شیوه‌ها و الگوهای سنتی کسب و کار فعالیت می‌کنند (Habbershon, 2006: 41). بنابراین، توسعه کارآفرینی روستایی پتانسیلی برای کمک به تنوع بخشی به درآمد و میزان تولیدات کشاورزی و غیرکشاورزی روستاییان است و فرصت‌های مناسبی را برای کاهش ریسک معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی فراهم می‌کند و می-تواند یکی از زمینه‌های مناسب برای ایجاد اشتغال در بخش‌های کشاورزی و غیرکشاورزی باشد. در کارآفرینی روستایی بخش خصوصی به عنوان مهم‌ترین عامل در توسعه پایدار اقتصادی روستا ایفای نقش می‌کند و دارای عناصر پایه‌ای است که تمرکز عمده آن‌ها فراهم کردن زیرساخت‌های اساسی روستا (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری) می‌باشد و همچنین کاهش فقر و تسریع و زمینه‌های رشد اقتصادی روستا را به دنبال دارد (Allen et al, 2003: 12)، که شواهد محکمی مبنی بر وجود رابطه‌ی علّی بین کارآفرینی، رشد اقتصادی و کاهش فقر دارد (Chowdhury, 2007: 240).

در همین رابطه دیدگاه‌ها و تعاریف مختلفی از کارآفرینی ارائه شده است که می‌تواند در توسعه پایدار روستایی مثمر ثمر واقع شود. از دیدگاه پیروان مکتب سوداگری یا مرکانتلیست‌ها، بازرگانانی را که در کار تجارت طلا و نقره دست داشتند، کارآفرین می‌دانستند، فیزیوکرات‌ها یا طبیعت‌گرایان منشأ ایجاد ثروت را زمین و فعالان کشاورزی را کارآفرین می‌گفتند. کلاسیک‌ها، عوامل اصلی ثروت کارآفرینی را نیروی کار، سرمایه و مواد اولیه معرفی کرده‌اند و شومپیتر پدر کارآفرینی، آن را نیروی محرکه اقتصاد می‌داند (ایمانی، ۱۳۸۸: ۲۸).

از دیدگاه مایا (۲۰۰۲)، کارآفرینی حاصل برخورد ویژگی‌های فردی کارآفرینان با محیطی است که در آن نشو و نما یافته‌اند (Archibong, 2004: 29) و همچنین عاملی در جهت کشف فرآیندهای نو و قبول مخاطرات و منافع آن (Hisrich et al, 2005: 8)، آگاهی از فرصت‌ها سودآور و کشف نشده (Lordkipanidze, 2005: 25) و بالاخره پایه و اساس توسعه به شمار می‌رود (Mohapatra et al, 2007: 163) و می‌تواند نقش مهم و اساسی در حرکت چرخ‌های توسعه اقتصادی نواحی روستایی داشته باشد (Duane, 2000: 236). به طور کلی، کارآفرینی را می‌توان فرآیندی پویا نامید که با بهره‌گیری از نیرو و انگیزه افراد در جهت خلق و اجرای ایده‌های نو حرکت می‌کند (Kuratko et al, 2007: 4). در چنین فضایی فردی می‌تواند به عنوان عامل رشد و توسعه و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تأثیرگذار در دست‌یابی به آینده مطلوب روستایی مطرح باشد (Mccline, 2004: 23). به طوری که توسعه‌ی درون‌زا را برای جوامع روستایی فراهم می‌کند تا با آینده‌ی آنان بیشتر درگیر شوند و به رها کردن توان بالقوه درونی‌شان بپردازند (Stockdale, 2006:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.12.2]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.147]

(356. بنابراین کارآفرینی فرصت‌های جدیدی را برای کارآفرینان ایجاد می‌کند که می‌توانند درآمدشان را بهبود بخشند، دارایی و سرمایه‌ی خود را افزایش دهند و روی هم رفته، استاندارد زندگی در جوامع روستایی را در اقتصادی جدید در کسب و کارهای کوچک و متوسط رشد دهند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۴ـ۹۳).

کارآفرینی موضوعی است که به طور جدی در سال‌های گذشته مطرح شده و نزدیک به یک دهه است که در کشور ایران نیز، مطالعه در این زمینه آغاز شده است. استاهپولو (۲۰۰۴) در مقاله «کارآفرینی روستایی در اروپا»، یک چارچوب تحقیقی و دستور کار که مستخرج از یک کار تحقیقاتی در همین رابطه است، فرصت‌ها و محدودیت‌های کارآفرینی روستایی را شناسایی کرده است (Stathopoulou et al, 2004: 420). لی (۲۰۰۸) معتقد است که امروزه، تغییرات سریع در دنیای اقتصاد، در بسیاری از جوامع بر اهمیت پیگیری فرصت‌های کارآفرینانه برای ایجاد ثروت افزوده است (Li, 2008: 1). اتـو (۲۰۰۹) در پژوهش خود با روش تجربی به این نتیجه دست یافت که از جمله اصول محوری در ایجاد و نگهداری فضاهای کارآفرینی موفق، تلاش در جهت ایجاد فضایی کارآفرینی مطلوب به این شرط که در تعامل نزدیک با سیاست‌گزاران باشد. مایالورد کیپانیدزه در سال ۲۰۰۵ در مطالعه‌ای ضمن اشاره به کاهش اشتغال در بخش کشاورزی، افزایش مهاجرت‌های روستایی را یادآوری می‌کند. ایشان نشان می‌دهد که توسعه‌ی روستایی به طور روزافزونی با کارآفرینی در ارتباط است و کارآفرینی را به عنوان نیرویی برای رشد اقتصادی روستا معرفی می‌کند (Lordkipanidze, 2005).

فاضل بیگی و همکاران (۱۳۸۸)، در پژوهش خود نشان دادند که سیاست‌های تقویت ظرفیت فرهنگ تعاون و نظام تعاونی یک جامعه (از جمله مهارت‌ها و انگیزه‌های استفاده از فرصت‌ها)، تأثیر بسزایی در ارتقای سطح فعالیت‌های کارآفرینی خواهد داشت. در این باره دولت‌ها باید پشتیبانی‌های لازم را از جنبه‌های مختلف اقتصادی ـ که هادی و حامی افزایش سطوح فعالیت‌های تعاون و کارآفرینی هستند ـ به عمل آورند.

فراهانی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «نقش کارآفرینی روستایی در توسعه پایدار روستایی» به این نتیجه رسیدند از راهکارهای مهم توسعه و توسعه پایدار روستایی ایجاد اشتغال و مهم‌ترین ابزار آن کارآفرینی است که باعث افزایش بهره‌وری افراد و منابع و در نتیجه سبب افزایش درآمد مردم و جامعه می‌شود. تحقیقات دیگر در جدول() اشاره شده است.

جدول(۱) خلاصه‌ای از مطالعات انجام شده در زمینه کارآفرینی روستایی

محقق و سال	عنوان	نتایج
رضوانی و همکاران (۱۳۸۷)	بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرآیند توسعه نواحی روستایی در دهستان برآن جنوبی	جذب نیروی انسانی جوان، متخصصی و ماهر به نواحی روستایی و فعالیت‌های کشاورزی می‌تواند به عنوان راهکار اصلی و ایجاد و تقویت کارآفرینی این نواحی در راستای توسعه پایدار بسیار مؤثر باشد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.12.2]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.147]

فرجی سبکبار و همکاران (۱۳۹۰)	اولویت‌بندی توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با استفاده از تکنیک پرومتری مطالعه موردی دهستان حومه بخش مرکزی شهرستان خدابنده	کارآفرینی روستایی راهکاری جدید در نظریه‌های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی با هدف کاهش شکاف بین شهر ـ روستا، ایجاد برابری اقتصادی، اجتماعی و محیطی و نهادی است.
هاشمی و همکاران (۱۳۹۰)	تبیین نقش دهیارها و شوراهای اسلامی در توسعه کارآفرینی روستایی موردی: بهاباد یزد	دهیارها و شوراهای اسلامی در زمینه توسعه کارآفرینی روستایی عملکرد نسبتاً موفقی داشته‌اند، به طوری که موجب بهبود زیرساخت‌ها، رفتار و نگرش کارآفرینانه و غیره شده است.
علیدوست و همکاران (۱۳۹۱)	اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی زنان کارآفرین شهرستان گرمسار	موانع اقتصادی و آموزشی به ترتیب مهم‌ترین موانع در مسیر توسعه کارآفرینی این قشر از جامعه می‌باشد.
Jenette et al (2010)	نقش کارآفرینی اجتماعی در میان کشاورزان مطالعه موردی کشاورزان کنیایی	موفقیت کارآفرینی تا حدودی مرتبط به خود فرد و نهاد رهبری می‌باشد، اما آشنایی با فرهنگ و یادگیری گروهی نیز از جمله موفقیت در برنامه توسعه کارآفرینی بوده است.
Jessiep et al (2012)	نقش سرمایه اجتماعی در کارآفرینی زنان در مناطق روستایی مطالعه موردی کشور ویتنام	وجود سرمایه اجتماعی تمایل زنان از کارآفرینی خانوادگی را به کارآفرینان سازمانی افزایش می‌دهد و دسترسی و فاصله تا بازار نیز در آن تأثیر دارد.

روش تحقیق

منطقه مورد مطالعه

منطقه‌ی مورد مطالعه تحقیق استان گلستان است که در شکل(۱) موقعیت جغرافیایی آن نشان داده شده است.

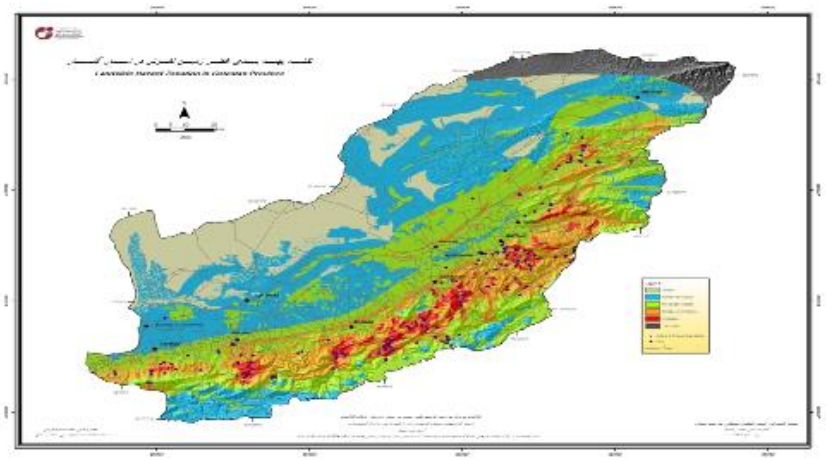

شکل(۱) منطقه مورد مطالعه

روش تحقیق از نوع هدف

بر اساس هدف، این تحقیق به صورت بنیادی و کاربردی می‌باشد. از آن‌جایی که در این تحقیق به کشف ماهیت پدیده‌ها و روابط بین متغیرها، اصول، قوانین و ساخت یا آزمایش تئوری‌ها و نظریه‌ها می‌پردازد و به توسعه‌ی مرزهای دانش رشته‌ی علمی کمک می‌نماید، این تحقیق بنیادی است و از آن‌جایی که با استفاده از

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.12.2]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.147]

نتایج این تحقیق به بهبود و به کمال رساندن رفتارها، روش‌ها، ابزارها، وسایل، تولیدات، ساختارها و الگوهای مورد استفاده‌ی جوامع انسانی و توسعه‌ی دانش کاربردی در یک زمینه‌ی خاص می‌پردازد، این تحقیق کاربردی نیز می‌باشد.

روش تحقیق از نوع ماهیت

از طرفی با توجه به این که هدف تحقیقات توسعه دانش کاربردی، در یک زمینه خاص است و تحقیقات کاربردی، به سمت کاربرد عملی دانش، هدایت می‌شود. این تحقیق با توجه به این که از ابعاد و مؤلفه‌های الگوهای مطرح شده در زمینه‌ی توسعه کارآفرینی زنان به منظور ارائه یک مدل استفاده می‌نماید، از نظر هدف، تحقیق کاربردی و توسعه‌ای است. این تحقیق از لحاظ گردآوری داده و اطلاعات از نوع آمیخته است که شامل نخست تحقیق کیفی و روش دلفی فازی و سپس روش تحقیق کمی روش مدل معادلات ساختاری و آزمون تحلیل عاملی است.

روش گردآوری داده‌ها

در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات درباره مبانی نظری و ادبیات موضوع از روش مطالعات کتابخانه‌ای و ارائه الگو از روش مطالعات میدانی استفاده شده است. در مجموع روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق عبارتند از: مطالعه کتب، نشریات و متون تخصصی از طریق جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی (اینترنت)، کتابخانه‌ها و ... به منظور دستیابی به مبانی نظری و در عین حال، استفاده از تجربه‌های گوناگون محققین دیگر؛ استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته یا اساتید و خبرگان کارآفرینی در جهت اصلاح، بهبود و تأیید ابزار اندازه‌گیری پژوهش. نتایج مصاحبه‌ها در ادامه در بخش بررسی دیدگاه‌های خبرگان ارائه می‌گردد؛ استفاده از پرسش‌نامه به عنوان اصلی‌ترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات برای دستیابی به داده‌های موردنظر.

جامعه و نمونه آماری

۱ـ متخصصان، خبرگان (۱۰ نفر از زنان کارآفرین برتر استان گلستان)

۲ـ جامعه آماری شامل زنان کارآفرین استان گلستان می‌باشد. در حال حاضر ۵۰۰ زن کارآفرین در استان گلستان مشغول به فعالیت می‌باشند که بر اساس جدول مورگان، تعداد ۱۹۸ نفر را به عنوان نمونه در نظر گرفتیم و به روش نمونه‌گیری تصادفی نامنظم انتخاب نمودیم.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش با استفاده از آمار توصیفی شامل توزیع فراوانی و نمودارهای مختلف و متغیرهای جمعیت-شناختی نمونه‌ی آماری (خبرگان و نمونه آماری) مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، سپس با استفاده از روش فرآیند سلسله تحلیل مراتبی با استفاده از نرم‌افزار Expert choice 11 مؤلفه‌های شناسایی شده در رابطه با توسعه کارآفرینی زنان و توسعه پایدار اجتماعی، وزن‌دهی، اولویت‌بندی و در مرحله بعد نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کلو موگروف اسمیرنوف مورد ارزیابی و برای بررسی وضعیت مؤلفه‌های شناسایی شده از آزمون t و جهت سنجش روابط ساختاری ابعاد مدل توسعه کارآفرینی زنان با رویکرد توسعه پایدار روستایی از تحقیق همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Smart PLS و آزمون تحلیل عاملی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.12.2]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.147]

جهت بررسی روابط بین متغیرها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نهایت مدل نهایی الگوی تحقیق سنجش و برازش گردید.

روایی و پایایـی

پس از طراحی اولیه پرسشنامه، جهت افزایش روایی از تعدادی از خبرگان بهره گرفته شد و برخی از مؤلفه-های مربوط به زنجیره ارزش کارآفرینی و مورد جرح و تعدیل قرار گرفت. علاوه بر آن پرسشنامه روش AHP دارای شکل و ساختار ثابتی می‌باشد که در این تحقیق با توجه به پیچیدگی جدول AHP، نوع طراحی آن با استفاده از نظرات خبرگان تغییر کرده است که به این ترتیب پیچیدگی نهفته در جداول AHP تا حد زیادی از بین رفته است. همچنین با عنایت به این که در روش AHP نرخ ناسازگاری پاسخ‌ها محاسبه می‌شود و پاسخ‌های با نرخ ناسازگاری بالا کنار گذاشته می‌شود، به نوعی نشان‌دهنده‌ی پایایی پاسخ‌ها نیز می‌باشد. در نهایت روایی پرسش‌نامه‌های مربوط به مدل توسعه کارآفرینی زنان با رویکرد توسعه پایدار روستایی بر اساس نظر خبرگان و روایی همگرایی و پایایی با استفاده از روش آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی به دست آمده است.

نتایج

به منظور شناخت بهتر جامعه‌ای که در پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است، قبل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری لازم است این داده‌ها توصیف شوند. همچنین توصیف آماری داده‌ها، گامی در جهت تشخیص الگوی حاکم بر آنان و پایه‌ای برای تبیین روابط متغیرهایی است که در پژوهش به کارمی‌روند جدول(۲).

سن

از میان پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه از لحاظ سن، ۱۶ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۲۹ درصد بین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۴۷ درصد بین ۴۱ تا ۵۰ سال، ۸ درصد ۵۱ سال به بالا بوده‌اند شکل(۲).

جدول(۲) فراوانی گروه‌های سنی کارآفرینان

سن	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
۲۰ تا ۳۰ سال	۳۱	٪۱۶	٪۱۶
۳۱ تا ۴۰ سال	۵۸	٪۲۹	٪۴۵
۴۱ تا ۵۰ سال	۹۴	٪۴۷	٪۹۲
۵۱ سال به بالا	۱۵	٪۸	٪۱۰۰
جمع کل	۱۹۸		

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.12.2]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.147]

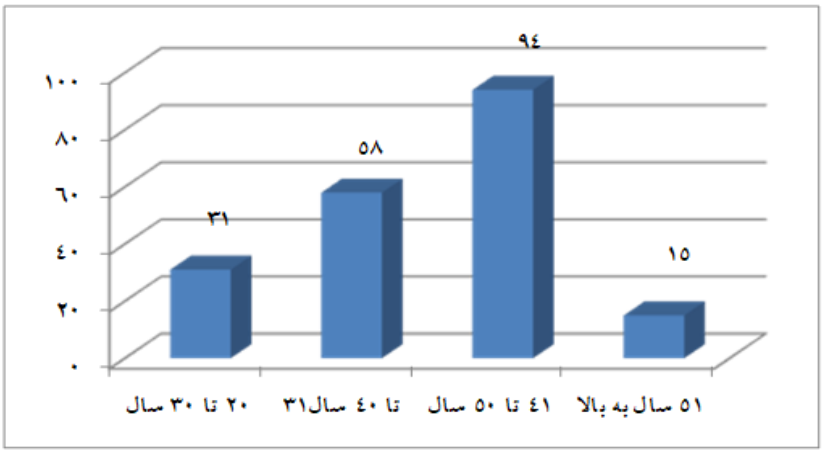

شکل(۲) فراوانی گروه‌های سنی

تحصیلات

از میان پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه از لحاظ تحصیلات، ۱۵ درصد کاردانی، ۳۲ درصد کارشناسی، ۴۰ درصد کارشناسی ارشد، ۱۳ درصد دکتری بوده‌اند جدول(۳)، شکل(۳).

جدول(۳) فراوانی گروه‌های تحصیلات کارآفرینان

تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
کاردانی	۲۹	٪۱۵	٪۱۵
کارشناسی	۶۴	٪۳۲	٪۴۷
کارشناسی ارشد	۷۹	٪۴۰	٪۸۷
دکتری	۲۶	٪۱۳	٪۱۰۰
جمع کل	۱۹۸		

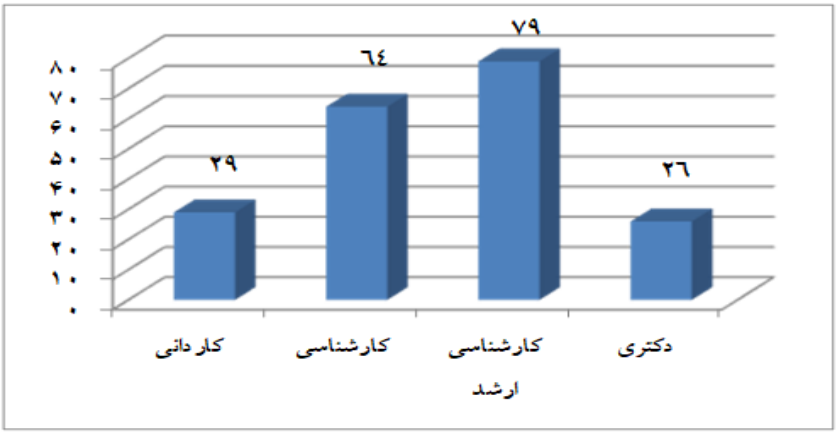

شکل(۳) فراوانی گروه‌های تحصیلات

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.12.2]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.147]

یافته‌های استنباطی

در این مقاله، مدل توسعه کارآفرینی زنان با رویکرد توسعه پایدار روستایی ارائه گردید که با توجه به مقدار به دست آمده برای GOF به میزان ۰/۵۳۶ برازش بسیار مناسب مدل کلی تأیید شد. شکل(۴) و جدول (۴).

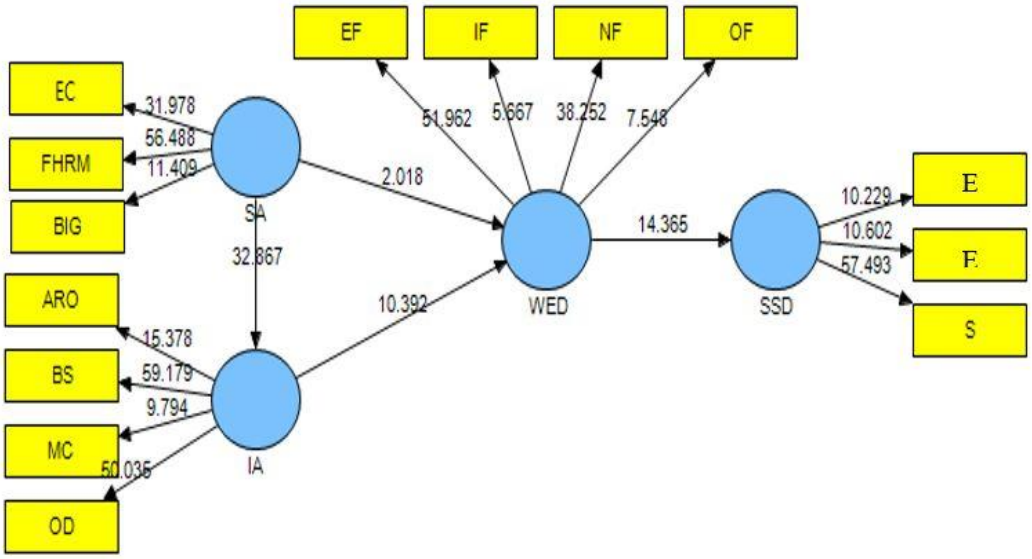

شکل(۴) مدل ساختاری تحقیق همراه با ضرایب معناداری

جدول(۴) نتایج برازش مدل کلی

ارتباط	متغیرهای تحقیق	برازش
۰/۶۶۷	۰/۴۳۰	۰/۵۳۶

توسعه پایدار روستایـی

جدول (۵) از میزان نمرات کسب شده بین ۱ تا ۱۰ برای بدبینانه و خوش بینانه که باتوجه به نظر۱۰ نفر از خبرگان در مورد میزان درجه اهمیت زیر معیارها و شاخص‌های توسعه پایدار اجتماعی بدست آمده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.12.2]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.147]

جدول(۵) انتخاب مناسب‌ترین معیار بر اساس روش دلفی فازی توسعه پایدار روستایی

ابعاد	مقدار بدبینانه		مقدار خوش بینانه		میانگین هندسی		مقدار معنی داری
	کمترین	بیشترین	کمترین	بیشترین	I_m^i	U_m^i	
اکولوژی							
میزان احترام و پای‌بندی به محیط زیست و میزان احترام به نقش افراد در محیط زیست	۳	۸	۸	۱۰	۵/۰۹	۸/۹۷	۹/۶۱
میزان هزینه تحقیق در امور زیست محیطی	۳	۶	۴	۹	۴/۶۰	۶/۹۶	۳/۸۰
وضعیت کاربری اراضی، میزان فرسایش خاک و کیفیت هوا	۱	۷	۶	۹	۵/۶۷	۸/۲۳	۹/۳۵
نسبت سطح زمین اجاره‌ای به اراضی زراعی	۲	۴	۴	۶	۳/۵۲	۵/۵۶	۳/۷۶
نسبت سطح مناطق حفاظت شده به کل منطقه و نسبت گونه‌های در معرض خطر به کل گونه‌های موجود در منطقه	۴	۸	۸	۱۰	۶/۰۴	۹/۵۶	۹/۴۸
اجتماعی							
تراکم جمعیت، نرخ رشد، بعد خانوار و رقم خالص مهاجرت	۳	۸	۸	۱۰	۴/۸۹	۹/۰۷	۹/۳۶
دسترسی به مراکز بهداشتی و نسبت افراد تحت پوشش بیمه درمانی	۴	۵	۴	۷	۴/۰۹	۶/۴۲	۲/۹۵
درصد کل باسوادی و درصد باسوادی زنان	۲	۸	۸	۱۰	۴/۹۸	۸/۵۶	۱۰/۴۸
نگرش افراد نسبت به مشارکت و میزان همیاری و مشارکت در امور زراعی	۴	۸	۷	۱۰	۶/۱۹	۹/۴۵	۸/۱۲
میزان خسارت مالی و جانی بلاهای طبیعی	۲	۵	۴	۷	۳/۶۸	۵/۶۴	۴/۲۰
اقتصادی							
درآمد سرانه و نسبت اعتبارات کشاورزی به سطح زیرکشت	۴	۸	۸	۱۰	۵/۴۴	۹/۵۸	۸/۹۴
میزان اشتغال در بخش کشاورزی و منابع طبیعی و میزان ثبات شغلی	۴	۸	۸	۱۰	۶/۰۴	۹/۵۶	۹/۴۸
میزان بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی و بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی	۳	۸	۷	۹	۵/۷۹	۸/۳۷	۱۰/۸۲

***حدآستانه = ۷/۷۲**

با توجه به این‌که مقدار حد آستانه که از میانگین ستون مقدار معنی‌داری (۷/۷۲) به دست آمده است. بنابراین از میان ۱۳ بعد موجود، در بعد اکولوژی: میزان احترام و پایبندی به محیط زیست و میزان احترام به نقش افراد در محیط زیست، میزان هزینه تحقیق در امور زیست محیطی، نسبت سطح زمین اجاره‌ای به اراضی زراعی؛ در بعد اجتماعی: دسترسی به مراکز بهداشتی و نسبت افراد تحت پوشش بیمه درمانی، میزان خسارت مالی و جانی بلاهای طبیعی و در بعد اقتصادی: میزان اشتغال در بخش کشاورزی و منابع طبیعی و میزان ثبات شغلی در مقایسه با سایر ابعاد مقدار معناداری آن‌ها کمتر از حد آستانه (۷/۷۲) می‌باشد، حذف خواهند شد. بنابراین سایر ابعاد با توجه این‌که مقدار معناداری آن‌ها بیشتر از حد آستانه می‌باشد، انتخاب شد.

توسعه کارآفرینی زنان

جدول(۶) از میزان نمرات کسب شده بین ۱ تا ۱۰ برای بدبینانه و خوش بینانه که باتوجه به نظر۱۰ نفر از خبرگان در مورد میزان درجه اهمیت زیر معیارها و شاخص‌های توسعه کارآفرینی زنان به دست آمده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.12.2]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.147]

با توجه به اینکه مقدار حد آستانه که از میانگین ستون مقدار معنی‌داری (۷/۳۳) به دست آمده است. بنابراین از میان ۲۰ بعد موجود، ابعاد: عکس‌العمل مثبت نسبت به مشکلات و موانع، استقلال‌طلبی، ارتباط با انجمن-های تخصصی زنان، ارتباط با انجمن‌های تجاری، استفاده از تجارت الکترونیک در کسب و کارها، استفاده از تجارب دیگر کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، تشویق مدیریت به خلاقیت و نوآوری، توسعه گروه‌های کارآفرینی در مقایسه با سایر ابعاد مقدار معناداری آن‌ها کمتر از حد آستانه (۷/۳۳) می‌باشد حذف خواهند شد. بنابراین سایر ابعاد با توجه به اینکه مقدار معناداری آن‌ها بیشتر از حد آستانه می‌باشد، انتخاب خواهند شد. جدول(۶).

جدول(۶). انتخاب مناسب‌ترین معیار بر اساس روش دلفی فازی توسعه کارآفرینی زنان

ابعاد	مقدار بدبینانه		مقدار خوش بینانه		میانگین هندسی		مقدار معنی داری
	کمترین	بیشترین	کمترین	بیشترین	I_m^i	U_m^i	
عوامل فردی							
عکس‌العمل مثبت نسبت به مشکلات و موانع	۲	۴	۴	۶	۳/۵۲	۵/۵۶	۳/۷۶
تحمل ابهام و مرکز کنترل داخلی	۴	۸	۸	۱۰	۵/۴۴	۹/۵۸	۸/۹۴
توفیق‌طلبی و مسئولیت‌پذیری	۳	۸	۸	۱۰	۵/۷۵	۸/۷۷	۱۰/۵۴
خلاقیت و مخاطره‌پذیری	۴	۸	۸	۱۰	۶/۰۴	۹/۵۶	۹/۴۸
استقلال‌طلبی	۴	۵	۴	۷	۴/۰۹	۶/۴۲	۲/۹۵
عوامل شبکه‌ای							
تأسیس شبکه‌های کاری و اطمینان از هماهنگی بین بخش‌های دولتی و غیردولتی	۳	۸	۸	۱۰	۵/۵۹	۸/۷۷	۱۰/۳۰
ارتباط با انجمن‌های تخصصی زنان	۲	۵	۴	۶	۳/۶۸	۵/۵۶	۵/۲۷
گسترش شبکه‌ها و انجمن‌های کارآفرینان	۳	۸	۸	۱۰	۴/۸۹	۹/۰۷	۹/۳۶
ارتباط با انجمن‌های تجاری	۳	۶	۴	۹	۴/۶۰	۶/۹۶	۳/۸۰
ارتباط با مشاوران تخصصی	۱	۷	۷	۱۰	۴/۷۸	۸/۷۴	۸/۱۰
عوامل محیطی							
قوانین و سیاست‌ها و خط مشی‌ها	۳	۸	۷	۱۰	۵/۵۹	۸/۵۵	۸/۶۶
افزایش دسترسی به شبکه‌های حمایتی دولت و اصلاح ساختار بخشی خدمات	۴	۸	۸	۱۰	۶/۰۴	۹/۵۶	۹/۴۸
استفاده از تجارت الکترونیک در کسب و کارها	۳	۶	۴	۷	۴/۳۶	۶/۴۲	۵/۰۳
ایجاد فرهنگ رسمی و غیررسمی و ارتقای فرهنگ خوداشتغالی و کارآفرینی	۴	۸	۸	۱۰	۵/۶۸	۹/۲۸	۹/۲۰
استفاده از تجارب دیگر کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی	۲	۵	۴	۷	۳/۶۸	۵/۶۴	۴/۲۰

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.12.2]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.147]

عوامل سازمانی							
توزیع عادلانه اختیارات و مسئولیت‌ها	۳	۸	۸	۱۰	۴/۸۹	۹/۰۷	۹/۳۶
حمایت مدیریت در کارآفرینی و کارآفرینان	۳	۸	۸	۱۰	۵/۴۶	۸/۷۷	۱۰/۱۳
تشویق مدیریت به خلاقیت و نوآوری	۴	۵	۴	۷	۴/۰۹	۶/۴۲	۲/۹۵
توسعه گروه‌های کارآفرینی	۲	۵	۴	۷	۳/۶۸	۵/۶۴	۴/۲۰
تفویض اختیار و فرصت زمانی کافی در کارآفرینی	۳	۸	۷	۹	۵/۷۹	۸/۲۷	۱۰/۸۸

*حد آستانه = ۷/۳۳

جدول(۷) اولویت‌بندی مؤلفه‌های توسعه پایدار روستایی

رتبه نهایی	وزن نهایی	رتبه	وزن مولفه-های فرعی	مولفه‌های فرعی	وزن مولفه-های اصلی	مولفه‌های اصلی
۴	۰/۱۲۹	۱	۰/۴۰۹	وضعیت کاربردی اراضی، میزان فرسایش خاک و کیفیت هوا	۰/۳۱۶	اکولوژی
۷	۰/۰۴۴	۷	۰/۱۳۹	نسبت سطح مناطق حفاظت شده به کل منطقه و نسبت گونه‌های در معرض خطر به کل گونه‌های موجود در منطقه		
۵	۰/۰۷۲	۵	۰/۲۲۸	تراکم جمعیت، نرخ رشد، بعد خانوار و رقم خالص مهاجرت	۰/۶۸۴	اجتماعی
۶	۰/۰۷۱	۶	۰/۲۲۴	درصد کل باسوادی و درصد باسوادی زنان		
۱	۰/۲۵۷	۲	۰/۳۷۶	نگرش افراد نسبت به مشارکت و میزان همیاری و مشارکت در امور زراعی		
۲	۰/۲۳۲	۳	۰/۳۳۹	درآمد سرانه و نسبت اعتبارات کشاورزی به سطح زیرکشت	۰/۵۴۷	اقتصادی
۳	۰/۱۹۶	۴	۰/۲۸۶	میزان بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی و بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی		

نتایج تحلیل جدول(۷) محاسبه شده نشان می‌دهد که عامل نگرش افراد نسبت به مشارکت و میزان همیاری و مشارکت در امور زراعی با وزن نسبی ۰/۲۵۷ در رتبه اول و پس از آن عامل درآمد سرانه و نسبت اعتبارات کشاورزی به سطح زیرکشت با وزن نسبی ۰/۲۳۲ در رتبه دوم و میزان بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی و بهره‌وری نیروی کار در بخش کشاورزی با وزن نسبی ۰/۱۹۶ در رتبه سوم و وضعیت کاربردی اراضی، میزان فرسایش خاک و کیفیت هوا با وزن نسبی ۰/۱۲۹ در رتبه چهارم و تراکم جمعیت ـ نرخ رشد ـ بعد خانوار و رقم خالص مهاجرت با وزن نسبی ۰/۰۷۲ در رتبه پنجم و درصد کل باسوادی و درصد باسوادی زنان با وزن نسبی ۰/۰۷۱ در رتبه ششم و نسبت سطح مناطق حفاظت شده به کل منطقه و نسبت گونه‌های در معرض خطر به کل گونه‌های موجود در منطقه با وزن نسبی ۰/۰۴۴ در رتبه هفتم اهمیت قرار دارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.12.2]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.147]

جدول(۸) اولویت‌بندی مولفه‌های توسعه کارآفرینی زنان

مؤلفه‌های اصلی	وزن مؤلفه‌های اصلی	مؤلفه‌های فرعی	وزن مؤلفه‌های فرعی	رتبه	وزن نهایی	رتبه نهایی
عوامل فردی	۰/۳۱۶	تحمل ابهام و مرکز کنترل داخلی	۰/۲۸۰	۱	۰/۰۸۸	۵
		توفیق‌طلبی و مسئولیت‌پذیری	۰/۱۵۰	۳	۰/۰۴۷	۹
		خلاقیت و مخاطره‌پذیری	۰/۱۵۸	۲	۰/۰۵۰	۸
عوامل شبکه-ای	۰/۶۸۴	تأسیس شبکه‌های کاری و اطمینان از هماهنگی بین بخش‌های دولتی و غیردولتی	۰/۱۴۴	۴	۰/۰۴۶	۱۰
		گسترش شبکه‌ها و انجمن‌های کارآفرینان	۰/۱۳۷	۵	۰/۰۴۳	۱۱
		ارتباط با مشاوران تخصصی	۰/۱۳۲	۶	۰/۰۴۲	۱۲
عوامل محیطی	۰/۴۸۵	قوانین، سیاست‌ها و خط مشی‌ها	۰/۲۳۹	۱	۰/۱۶۳	۱
		افزایش دسترسی به شبکه‌های حمایتی دولت و اصلاح ساختاربخشی خدمات	۰/۱۱۹	۵	۰/۰۸۱	۶
		ایجاد فرهنگ رسمی و غیررسمی و ارتقای فرهنگ خوداشتغالی و کارآفرینی	۰/۲۱۴	۲	۰/۱۴۶	۲
عوامل سازمانی	۰/۵۷۴	توزیع عادلانه اختیارات و مسئولیت‌ها	۰/۱۰۳	۶	۰/۰۷۰	۷
		حمایت مدیریت از کارآفرینی و کارآفرینان	۰/۱۷۰	۳	۰/۱۱۶	۳
		تفویض اختیار و فرصت زمانی کافی در کارآفرینی	۰/۱۵۵	۴	۰/۱۰۶	۴

نتایج تحلیل جدول(۸) محاسبه شده نشان می‌دهد که عامل قوانین ـ سیاست‌ها و خط مشی‌ها با وزن نسبی ۰/۱۶۳ در رتبه اول و پس از آن عامل ایجاد فرهنگ رسمی و غیررسمی و ارتقای فرهنگ خوداشتغالی و کارآفرینی با وزن نسبی ۰/۱۴۶ در رتبه دوم و حمایت مدیریت از کارآفرینی و کارآفرینان با وزن نسبی ۰/۱۱۶ در رتبه سوم و تفویض اختیار و فرصت زمانی کافی در کارآفرینی با وزن نسبی ۰/۱۲۹ در رتبه چهارم و تحمل ابهام و مرکز کنترل داخلی با وزن نسبی ۰/۰۸۸ در رتبه پنجم و افزایش دسترسی به شبکه‌های حمایتی دولت و اصلاح ساختاربخشی خدمات با وزن نسبی ۰/۰۸۱ در رتبه ششم و توزیع عادلانه اختیارات و مسئولیت‌ها با وزن نسبی ۰/۰۷۰ در رتبه هفتم و خلاقیت و مخاطره‌پذیری با وزن نسبی ۰/۰۵۰ در رتبه هشتم و توفیق‌طلبی و مسئولیت‌پذیری با وزن نسبی ۰/۰۴۷ در رتبه نهم و تأسیس شبکه‌های کاری و اطمینان از هماهنگی بین بخش‌های دولتی و غیردولتی با وزن نسبی ۰/۰۴۶ در رتبه دهم و گسترش شبکه‌ها و انجمن‌های کارآفرینان با وزن نسبی ۰/۰۴۳ در رتبه یازدهم و ارتباط با مشاوران تخصصی با وزن نسبی ۰/۰۴۲ در رتبه دوازدهم اهمیت قرار دارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.12.2]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.147]

جدول(۹) نتایج آزمون تی تست

ابعاد	شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	سطح اطمینان ۹۵ درصد			آزمون یک نمونه‌ای		نتیجه معناداری	وضعیت
				حد بالایی	حد پایینی	سطح معنی‌داری	درجه آزادی	آزمون t		
توسعه کارآفرینی زنان	عوامل فردی	۳/۰۷۵	۰/۹۳۱	۰/۲۰۶	-۰/۰۵۴	۰/۲۵۴	۱۹۷	۱/۱۴۵	نیست	مطلوب است
	عوامل شبکه‌ای	۲/۷۷۴	۰/۹۷۶	-۰/۰۸۸	-۰/۳۶۲	۰/۰۰۱	۱۹۷	-۳/۲۵۲	است	مطلوب نیست
	عوامل محیطی	۳/۶۰۳	۰/۸۹۷	۰/۷۲۹	۰/۴۷۷	۰/۰۰۰	۱۹۷	۹/۴۶۴	است	مطلوب است
	عوامل سازمانی	۲/۷۸۹	۰/۹۶۲	-۰/۰۷۵	-۰/۳۴۵	۰/۰۰۲	۱۹۷	-۳/۰۷۵	است	مطلوب نیست
توسعه پایدار روستایی	اکولوژی	۲/۹۳۱	۱/۰۹۲	۰/۰۸۴	-۰/۲۲۲	۰/۳۷۵	۱۹۷	-۰/۸۸۹	نیست	مطلوب است
	اجتماعی	۳/۱۳۸	۰/۹۲۴	۰/۲۶۸	۰/۰۰۹	۰/۰۳۶	۱۹۷	۲/۱۱۴	است	مطلوب است
	اقتصادی	۲/۸۷۲	۱/۰۱۹	۰/۰۱۴	-۰/۲۷۰	۰/۰۷۹	۱۹۷	-۱/۷۶۶	نیست	مطلوب است

همان‌گونه که از جدول(۹) می‌توان استنباط کرد از آن‌جا که سطح معنی‌داری این آزمون برابر با ۰/۰۵ می‌باشد، لذا فرض H_1 مبتنی بر عدم نرمال بودن وضعیت مؤلفه‌های مورد بررسی رد می‌شود بنابراین با توجه به نرمال بودن مؤلفه‌ها برای بررسی وضعیت مؤلفه‌های توسعه کارآفرینی زنان، توسعه پایدار روستایی از آزمون‌های پارامتریک (آزمون t-test) تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که در توسعه کارآفرینی زنان در استان گلستان، عوامل فردی و محیطی از وضعیت مطلوبی برخوردارند اما عوامل شبکه‌ای و سازمانی چندان مطلوب نیستند و در توسعه پایدار روستایی استان گلستان، هر سه مؤلفه‌ی اکولوژی، اجتماعی و اقتصادی از وضعیت مطلوبی برخوردارند.

جدول(۱۰) نتایج رابطه‌ی مستقیم و ضرایب معناداری فرضیه مدل پژوهش

فرضیه	روابط علی بین متغیرهای پژوهش	علامت اختصاری	ضریب مسیر(β)	معناداری (T-Value)	نتیجه آزمون
	توسعه کارآفرینی زنان ← توسعه پایداری اجتماعی	WED---SSD	۰/۵۳۳	۱۴/۳۶۵	تایید فرضیه

H_0: توسعه کارآفرینی زنان بر توسعه پایدار روستایی تأثیر ندارد.

H_1: توسعه کارآفرینی زنان بر توسعه پایدار روستایی تأثیر دارد.

با توجه به جدول (۱۰) می‌توان گفت ضریب استاندارد شده (ضریب مسیر) بین دو متغیر(توسعه کارآفرینی زنان بر توسعه پایدار روستایی) β=۰/۵۳۳ می‌باشد و ضریب معناداری (آماره تی) بین این دو متغیر نیز t=۱۴/۳۶۵ بوده (بیشتر از قدرمطلق ۱,۹۶) که نشان می‌دهد که معنادار است. بنابراین فرضیه H_0 رد و فرضیه H_1 تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت توسعه کارآفرینی زنان بر توسعه پایدار روستایی تأثیر دارد و لذا این فرضیه تأیید خواهد شد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.12.2]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.147]

نتیجه‌گیـــری

توسعه پایدار روستایی مستلزم وجود نهادهای کارآمد است که برای تحقق اهداف توسعه باید از مناسب‌ترین و مطلوب‌ترین سازماندهی ممکن بهره‌مند باشند، از طرفی در توسعه پایدار روستایی نیز هدف جلب و توسعه مشارکت روستاییان، به خصوص اقشار محروم‌تر روستا، یعنی زنان کارآفرین هستند که در اغلب برنامه‌های پیشین توسعه به نوعی در حاشیه قرار گرفته‌اند. بدون شک دست‌یابی به اهداف توسعه‌ی محلی پایدار بدون بهره‌گیری مستمر از نیمی از پیکره‌ی جامعه محلی، یعنی زنان امری غیرممکن است.

زنان کارآفرین هرچند همواره با ایفای نقش‌های گسترده و چندگانه خود مشارکت جدی را در امور خانواده و حتی جامعه‌ی خود انجام داده‌اند، اما فعالیت‌های تمام نشدنی آن‌ها در تداوم آشکار روابط سلطه میان دو جنس عمدتاً نادیده و بی‌اهمیت گرفته شده است. از طرفی، کارآفرینی موضوعی است که امروزه توجه بیشتر برنامه-ریزان و مجریان امور کشورهای مختلف را جلب کرده است و اغلب کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که برای کسب موفقیت اقتصادی در عرصه ملی و بین‌المللی و عرضه خدمات و تولید محصولات نیاز مبرم به توسعه کارآفرین است تا به عنوان عامل اصلی تغییر و محرک اصلی توسعه، حرکت‌هایی را آغاز کند و منجر به خلاقیت و نوآوری مستمر شود. خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی از ارکان اصلی توسعه‌ی پایدار هستند؛ علاوه بر این، کارآفرینی می‌تواند با ارتقای دانش و ظرفیت‌های علمی زنان، آنان را توانمند سازند و با آموزش اصول توسعه مشارکتی و پرورش اعتماد به نفس، به آن‌ها خدمت مؤثری نمایند، زیرا امروزه زنان خلاق، نوآور و مبتکر به عنوان کارآفرینان، منشأ تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی در عرصه جهانی شده‌اند و نقش آنان به عنوان موتور توسعه اقتصادی و صنعتی، محرک و مشوق سرمایه‌گذاری، عامل ایجاد اشتغال، گزینه اصلی انتقال فناوری و عامل رفع خلل و تنگناهای بازار در جوامع تبیین یافته است. بنابراین، امروزه میزان حضور زنان در بازار کار و مشارکت آنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی به یکی از شاخص‌های مهم توسعه انسانی مبدل گردیده است، زیرا فعالیت اقتصادی زنان رابطه مستقیم با فقر و رفاه اجتماعی دارد و نیز با افزایش فرصت‌های شغلی برای زنان، سطح فرهنگ و آموزش جامعه ارتقاء می‌یابد. به طور کلی می‌توان گفت موفقیت زنان کارآفرین در جوامع نه تنها سبب ایجاد سود اقتصادی می‌شود، بلکه منافع اجتماعی و فرهنگی نیز ایجاد می‌نماید.

بر اساس آنچه در مطالعه‌ی حاضر آمد، نیل به توسعه پایدار روستایی در جهت تحقق برنامه‌های توسعه ملی مستلزم دسترسی برنامه‌ریزان به ابزار مناسب برای سنجش میزان پایداری در توسعه روستاها می‌باشد تا با شناخت جامع و کافی آنان از روستا و ابعاد ناپایداری در توسعه‌ی آن، برنامه‌ریزی دقیق و درستی برای رسیدن به توسعه پایدار روستایی و در نهایت توسعه پایدار ملی صورت گیرد. در مطالعه‌ی حاضر، پس از بررسی ادبیات موجود و نظرات کارشناسی در زمینه سنجش پایداری توسعه روستاها و شاخص‌های مورد استفاده در آن‌ها، چارچوبی به دست آمده است. پرواضح است که صرف انتخاب تعدادی شاخص پایداری از میان شاخص‌های موجود نمی‌تواند فرآیند سنجش پایداری را با موفقیت همراه کند، بلکه این امر مستلزم توجه به سطح مطالعه، تعداد متناسب شاخص‌ها از ابعاد مختلف پایداری، استفاده از تکنیک مناسب برای سنجش پایداری و موارد دیگری است که تا اندازه‌ای بستگی به هنر و خلاقیت محقق و نیز داده‌ها و اطلاعات در دسترس دارد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.12.2]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.147]

پیشنهادات

پیشنهادات کاربردی

کارآفرینی زنان کارآفرین یکی از راهکارهای مهم در جهت استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های جامعه محلی می‌باشد و در صورت وجود سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های مناسب می‌تواند گام بزرگی در جهت حرکت در مسیر توسعه پایدار روستایی می‌باشد. از آن‌جایی که بر اساس نتایج به دست آمده در این تحقیق عوامل سازمانی و عوامل شبکه‌ای از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند، پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

ـ فرهنگ‌سازی برای حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و تلاش در مشارکت دادن هرچه بیشتر آنان در فعالیت‌های کارآفرینانه جهت تبادل دانش و اطلاعات؛

ـ فراهم کردن زمینه لازم برای ورود زنان تحصیل‌کرده و دانشگاهی به حوزه‌های کسب و کار و اجرای سیاست-های تشویقی (نظیر اعطای وام و تسهیلات کم‌بهره، معافیت‌های مالیاتی، تسهیل در صدور مجوز فعالیت، حمایت‌های قانونی و ...) برای تشویق آنان به راه‌اندازی مشاغل کوچک و کارآفرینانه؛

ـ ایجاد فضای لازم برای کارآفرینان زن جهت پیوستن به شبکه‌های کسب و کار، بازاریابی محصولات، شبکه‌ی فروش محصولات و ...؛

ـ ایجاد یک شبکه‌ی بزرگ کارآفرینی در سطح استان جهت ایجاد مراکز کارآفرینی برای معرفی کارآفرینان برتر، سهولت دسترسی به آنها و برقراری ارتباط میان افراد و شرکت‌ها.

ـ ارائه اطلاعات به روز بازار به منظور رفع مشکلات زنان کارآفرین در دسترسی به بازار و یافتن تأمین‌کنندگان مناسب.

پیشنهادات آتی

ـ با توجه به مطالب ذکر شده پیشنهاد می‌شود در سنجش پایداری روستاها از شاخص‌هایی استفاده گردد که با توجه به شرایط مورد مطالعه بیانگر میزان پایداری ابعاد مختلف توسعه باشند.

ـ همچنین پیشنهاد می‌شود که مطالعات بیشتری در این زمینه صورت گیرد و سعی شود مطالعات موردی (یک منطقه به خصوص) در این زمینه انجام شود.

ـ انجام تحقیق در رابطه با توسعه کارآفرینی زنان با دیگر ابعاد توسعه پایدار (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، شهری)

منابع

احمد پورداریانی، محمود. (۱۳۸۰). **کارآفرینی** (تعاریف، نظریات و الگوها). نشر کتاب ۵۷. چاپ اول. تهران.

ربیعی، علی؛ نظریان، زهرا. (۱۳۹۲). **بررسی موانع کارآفرینی زنان تحصیل‌کرده دانشگاهی ایران**. ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی. ۲ (۴): ۲۵ـ۱.

رضائی‌مقدم، کریم؛ نعمت‌پور، لیلا. (۱۳۹۳). **فعالیت در تشکل‌های تولیدی ورمی کمپوست. راهکاری برای توانمندسازی زنان کارآفرین: مطالعه موردی استان فارس**. فصل‌نامه روستا و توسعه. **۱۷(۳)**: ۱۰۳ـ۸۳.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.12.2]
[DOI: 10.29252/jgs.19.54.147]

زارع، باقر؛ میرباقری، احمد. (۱۳۹۱). **مطالعه‌ی عوامل فردی ـ اجتماعی مؤثر بر گرایش به مشارکت زنان کارآفرین در صندوق اعتبارات خرد استان مازندران.** فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی رفاه اجتماعی، **۱۲(۴۶)**: ۴۳۱ـ۳۹۹.

زرافشانی، کیا؛ رستمی، فرید؛ خوش‌مرام، مجید؛ شیری، ناصر. (۱۳۹۳). **نقدی بر ساختار صندوق‌های اعتبارات خرد در خوداشتغالی زنان کارآفرین. نشریه کارآفرینی در کشاورزی. ۱(۳)**: ۱۲۹ـ۱۲۱.

طالب، محمد؛ نجفی اصل، زهرا. (۱۳۸۶). **پیامدهای اعتبارات خرد روستایی بر توانمندسازی اقتصادی زنان سرپرست خانوار: نگاهی به نتایج طرح ضرت زینب کبری (س) در روستاهای بویین‌زهرا.** فصل‌نامه روستا و توسعه. **۱۰(۳)**: ۲۶ـ۱.

علاءالدینی، پدرام؛ جلالی موسوی، آرام. (۱۳۸۹). **ارزیابی اثربخشی برنامه‌ی پشتیبانی خدمات مالی خرد و صندوق اعتبارات خرد زنان کارآفرین در ایران.** توسعه روستایی. **۲(۲)**: ۷۶ـ۶۱.

علیرضانژاد، سعید؛ جابری، شاهین. (۱۳۹۰). **پول، جنسیت، توسعه: مطالعه موردی صندوق اعتبارات خرد زنان زنبوردار رامــه.** فصل‌نامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. **۷**: ۲۳۱ـ۱۹۱.

فال‌سلیمان، محمد؛ حجی‌پور، محسن. (۱۳۹۲). **واکاوی نقش زنان در توسعه‌ی محلی پایدار. رویکردی زیست-شناختی در احیاء منابع زیست محیطی.** مطالعات زنان. **۱۱(۳)**: ۵۲ـ۳۷.

فقیری، محمد؛ زرافشانی، کریم؛ علی‌بیگی، احمد. (۱۳۹۳). **بررسی تأثیر صندوق‌های اعتبارات خرد بر توانمندسازی زنان کارآفرین استان کرمانشاه.** فصل‌نامه روستا و توسعه. **۱۷(۳)**: ۲۲ـ۱.

فاضل‌بیگی، محمد مهدی و غلامرضا یاوری. (۱۳۸۸): **تعاون روستایی سرآغازی بر توسعه کارآفرینی.** مجله تعاون. **۲۰۴** و **۲۰۵**: ۶۲ـ۴۱.

فراهانی، حسین و حاجی‌حسینی، علی. (۱۳۹۰). **نقش کارآفرینی روستایی در توسعه پایدار روستایی.** مجموعه مقالات اولین همایش ملی جغرافیا و برنامه‌ریزی توسعه روستایی. همدان. صص ۱۴ـ۱.

محمدی یگانه، باقر؛ چراغی، محمد؛ احمدی، کریم. (۱۳۹۳). **بررسی آثار اعتبارات خرد بر توانمندسازی اقتصادی فقرای روستایی، مطالعه موردی: دهستان غنی‌بیگلو.** شهرستان زنجان. جغرافیا و توسعه. **۳۵**: ۲۴۷ـ۲۳۳.

منصورآبادی، فرهاد؛ کرمی، علی. (۱۳۸۵). **پیامدهای توسعه بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان کارآفرین: مطالعه موردی در استان فارس.** مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. **۲۴(۲)**: ۱۲۸ـ۱۰۷.

نامجویان شیرازی، زهرا. ۱۳۹۳. **قابلیت صندوق‌های اعتبارات خرد زنان کارآفرین در توسعه کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک.** نشریه کارآفرینی در کشاورزی. **۱(۳)**: ۸۲ـ۶۵.

هاشمی، سید سعید و همکاران. (۱۳۹۰): **تبیین نقش دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی در توسعه کارآفرینی روستایی (مطالعه موردی: بهاباد استان یزد).** فصل‌نامه پژوهش‌های روستایی. **۲(۱)**: ۱۱۴ـ۹۳.

یاری‌ارکودل، علی؛ پویافر، احمد؛ فواندی، فرید؛ نوش‌آفرین، باقر. (۱۳۹۰). **نقش صندوق‌های اعتباری خرد بر مدیریت پایدار منابع طبیعی (مطالعه موردی پروژه بین‌المللی ترسیب کربن).** فصل‌نامه جنگل و مرتع. **۸۹**: ۷۳ـ۶۸.

Green, E. P., Blattman, C, Jamison, J, and Annan, J. (2015). **Women's entrepreneurship and intimate partner violence: A cluster randomized trial of microenterprise assistance and partner participation in post-conflict Uganda** (SSM-D-14-01580R1). Social Science & Medicine, **133**, 177-188

Abotaleb, V (2008): **An introduction to current opportunities in investment and involvement in Iran countru agriculture sector**, Retrieved December 11. 2008. From.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.12.2]

[DOI: 10.29252/jgs.19.54.147]

Allen, J. C et al (2003): **Examination of Community Action Field Theory Model for Locality Based Entrpreneurship**. Paper Presented at the Annual Rural Sociological Society Meeting, Montreal, Canada.

Archibong, C. A (2004): **Thechnology, infrastructure and entrepreneurship: Role of the government in bulding a sustainable economy**, School of Business and Economics North Caroliana & T State University. PP: 451-456.

Chowdhury, M. S (2007): **Overcoming Entrepreneurship Development Constraints: the Case of Bangladesh,** Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy, **1(3),** 240-251.

Duane, G. A (2000): "**Management and organization**." Ohio: South-western.

Habbershon, T. G, Pistrui, J and McGrann, M (2006). **Enterprsing Families: Mindset and Methods for Wealth Acceleration in a Dynamic Marketplace.**

Hall, A., Melin, L and Nordqvist, M (2001): **Entrepreneurship as Radical Change in the Family Business: Exploring the Role of Cultural Patterns**, Family Business Review, **14**: 193-208.

Kazemi, M (2008): **Assessing entrepreneurship by industrial managers, casual study: Khorasan Province,** Science and Dvelopment Magazine.

Markley, D, M (2005): **Local Strategies for responding to rural restructuring: The role of entrepreneurship,** Globalization and Restructuring in rural America Conference ERS_USDA, Washington D.C.

Najarzadeh, M & Rezvani, M. R. (2009). **Study and Analysis of Villagers, Background Knowledge on Entrepreneurship in the Process of Rural Development Case Study**: **1(2),** 161-182

Otto, M. (2009): **Green: challenges and Opportumities for Business Grewing Green: Challenges and opportumities for Busiess**, United Nations climate chage conference dec 7-dec 18.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-28]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1398.19.54.12.2]

[DOI: 10.29252/jgs.19.54.147]